

خوانش شخصیت زنان در شاهنامه عامیانه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰م مکتب دوم تبریز با روش

پانوفسکی

چکیده

جایگاه زنان در دوره‌های مختلف تحت تأثیر تحولات جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند قرار دارد. با بررسی کتاب-های به تصویر کشیده خارج از دربار می‌توان به مطالعه وضعیت آنها در ادوار مختلف پرداخت. شاهنامه یکی از کتب قابل توجه شاهان صفوی بوده که بارها به تصویر درآمده است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی انجام شده بررسی جایگاه زن در شاهنامه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰م انجام شده است. در این راستا، به تفسیر و نقش زنان در نگارگری این شاهنامه با اتخاذ رویکرد آیکونولوژی و آیکونوگرافی پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از این است که زنان دربار در دوره صفوی، شاهنامه و نگارگری همواره مورد توجه بوده‌اند و نکات مشترک زیادی بین آن‌ها دیده می‌شود، در تمامی این نگاره‌ها فقط از زنان درباری و یا شاهزاده‌ها یاد شده است و از زنان کوچه و بازار خبری نیست. بنابراین زن‌ها به واسطه خردمندی و سیاستمداری و نیکوکاری شان در شاهنامه مطرح شده‌اند. از طرفی در تاریخ دوره صفوی همه زن‌ها به طبقه اجتماعی بالایی تعلق دارند. در ارتباط بین متن و تصویر، نگارگر در تصویرگری در مواردی بر اساس ذوق و سلیقه خود عمل نموده است. همچنین، مشخص شد که درون‌مایه‌های تصویری در نگارگری این شاهنامه به عوامل زیادی مانند تحولات جامعه صفوی، جایگاه زن در آن دوره، نگاه فردوسی به زن و سنت نگارگری ایرانی و... بستگی دارد که در پروسه معنایابی این نگاره‌ها، باید به متون دیگری رجوع کرد و ارتباطها را مشخص نمود.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی نقش و جایگاه زن در نگارگری شاهنامه عامیانه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰م دوره صفوی.

۲. بررسی نقش و جایگاه زن در دوره صفوی و نگارگری مکتب دوم تبریز.

سوالات پژوهش:

۱. نگارگر شاهنامه عامیانه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰م از چه الگوهایی برای نشان دادن جایگاه تصویر زنان براساس نظریه پانوفسکی استفاده کرده است؟

۲. نقش و جایگاه زنان در دوره صفوی، با نگاه فردوسی و نگارگری مکتب تبریز چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

کلمات کلیدی: شاهنامه، دوره صفوی، شخصیت زن، مکتب دوم تبریز، پانوفسکی.

شاهنامه یکی از طولانی‌ترین و شیواترین سخنان منظوم فارسی است که مضامین گوناگون حماسی، اسطوره‌ای، تغزلی و حکمی را در بردارد. پس از استیلای مغول بر ایران شاهنامه بیشتر مورد توجه هنرمندان قرار گرفت و در هر عصر به دست برجسته‌ترین هنرمندان نگارگری و کتابت شده است. به همین دلیل آثار نفیس و قابل توجهی از شاهنامه فردوسی تا به امروز بر جای مانده است. در دوره صفوی هنر به اوج شکوفایی خود رسید و کتاب‌آرایی همراه با هنر رشد کرد. در این دوره شاهان صفوی علاقه زیادی به شاهنامه نشان دادند و به همین دلیل بیش از ۲۵۰۰ شاهنامه از دوره صفوی به جای مانده است که اکثراً دارای نگاره‌هایی هستند که از دل جامعه به تصویر کشیده شده است چراکه این آثار زیبا برای تجارت به کشورهای دیگر فرستاده می‌شد و در کارگاه‌هایی خارج از دربار به تصویر کشیده شده است. در این پژوهش به بررسی نگاره‌های یکی از شاهنامه‌های عامیانه به تاریخ ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰ م. پرداخته می‌شود. آثار هنری و ادبی دارای جنبه‌های گوناگون متنی و فرامتنی هستند که هر لایه‌ای به یکی از این جنبه‌ها می‌پردازد. آیکونولوژی از جمله روش‌هایی است که در مراحل سه گانه‌ی آن، همه ابعاد اثر هنری را مورد توجه قرار می‌دهد. درون‌مایه‌های تصویری در نگارگری شاهنامه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰ م. به عوامل زیادی مانند تحولات جامعه صفوی، جایگاه زن در آن دوره، نگاه فردوسی به زن و سنت نگارگری ایرانی و... بستگی دارد که در پروسه معنایابی این نگاره‌ها، باید به متون دیگری رجوع کرد و ارتباط آن‌ها مشخص نمود. از این رو به نظر می‌رسد، آیکونولوژی مناسب‌ترین روش برای تحلیل این نگاره‌ها است. نوآوری این پژوهش این است که با رویکردی نو به تحلیل تصویر زن در نگاره‌های این شاهنامه می‌پردازد.

درخصوص تحولات فرهنگی هنری و اجتماعی دوره صفوی منابع منتشر شده بسیار است اما منابع اندکی به بررسی جایگاه زنان در این دوره پرداخته‌اند؛ که بیشتر در سفرنامه‌های سیاحان یا کتاب‌های جامع تاریخی می‌توان مشاهده کرد. از سوی دیگر پژوهش‌های زیادی درباره زنان موجود است که اغلب به صورت موردی به زنان ایرانی و تصاویر آن‌ها در نگاره‌ها پرداخته‌اند اما در این منابع، به مطالعه نقش زنان در نگاره‌ها زیاد پرداخته نشده است. در همین راستا، رساله‌ای از سهیلا صادقی عطار (۱۳۹۶) با عنوان "بررسی جایگاه زنان در شاهنامه فردوسی و تبیین دلالت‌های تربیتی آن" کار شده است که در آن به نقش زن در شاهنامه می‌پردازد و عنوان می‌کند که در شاهنامه زن به هیچ عنوان موجودی خارمیه نیست، بلکه حافظ هویت ارزش‌های والای قومی و نژادی خویش است و به بررسی لایه‌های مختلف اجتماعی زن در دوره صفوی می‌پردازد. پژوهش دیگری که در این حیطه انجام شده مقاله‌ای است از هادی عباس‌نژاد خراسانی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان "واکاوی و برجسته‌سازی صفات و شخصیت زن از نگاه فردوسی و انعکاس آن در شاهنامه بایسنقری (دو نگاره «زال و رودابه» و «دیدار اردشیر و گلنار»)» که در نشریه هنر اسلامی به چاپ رسیده است که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد حضور نگاره‌های زنان در شاهنامه بایسنقری لطافت خاصی به این اثر بخشیده و زنانی که فردوسی به توصیف آن‌ها در شاهنامه پرداخته است، نسبت به زنان عصر خود دارای ویژگی‌های منحصر به فردتری هستند. پژوهش حاضر، افزون بر بهره‌گیری از رهیافت تاریخی، نگاره‌های شاهنامه عامیانه عصر صفوی را به‌عنوان مواد پژوهش در نظر گرفته است. در این تحقیق، با مطالعه ویژگی‌های هنری و

سفرنامه‌ها و منابع مکتوب، تلاش شده تا از منظری نو به درک منطقی میان این نمونه‌ها با استفاده از روش پانوفسکی رسیده و در ادامه به تحلیل زنان و جایگاه آن‌ها در شاهنامه پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با توجه به رویکرد شمایل‌نگاری و شمایل‌شناسی و سه سطح معنایی اروین پانوفسکی نقش زن در نگاره‌های شاهنامه عامیانه مدنظر تحقیق مورد و بررسی قرار گرفت. طی مرحله اول از روش آیکونولوژی معنای ظاهری و ویژگی‌های سبک نگاره‌های شاهنامه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰ م مشخص شد. که بیشترین تأثیر از مکتب هند و ایرانی گرفته شده است. در مرحله دوم از ارتباط میان نگاره‌ها، متون و داستان‌ها مشخص گردید که معنای نگاره‌ها معطوف به آن‌ها است. در این مرحله، معنای ثانویه نگاره‌ها از طریق آشکار شدن روابط بینامتنی مشخص گردید. در مرحله سوم، با توجه به جایگاه زن در نگاره‌ها، برای آشکار کردن معنای پنهان آن‌ها، نگاره‌ها از منظر بازتاب عواملی چون تحولات جامعه صفوی، جایگاه زن در آن دوره، نگاه فردوسی به زن و سنت نگارگری ایرانی مورد بررسی قرار گرفت. بررسی چند نگاره برگزیده شده از شاهنامه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰ م در این پژوهش نشان داد که هنرمند در ترسیم نگاره‌ها از یک سری الگوهای واحد مانند حالت چهره، پوشش زنان و مردان و فضای حاکم بر باغ و کاخ استفاده کرده است. از دیگر منظر، طبقه‌بندی اجتماعی زنان حاکم بر دوره صفوی نیز به خوبی در این تصاویر مشهود است زیرا در تمام نگاره‌ها شاه دخت یا ملکه، پوششی متفاوت از طلا دارند و بر تخت نشسته‌اند. و کنیزان در یک رتبه قرار دارند زیرا با پوشش یکسان در رنگ‌های متفاوت ترسیم شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد تصاویر زنان بر اساس نقش و جایگاه و موقعیت اجتماعی شان انتخاب شده‌اند و لازم به ذکر است. از دیگر سو در هر ۴ نگاره نقاش در اصل داستان وفادار به متن بوده است اما در فضا سازی تصویر از ذهن و تخیلات خود استفاده کرده است. در سخن پایانی به نظر می‌رسد با استناد به مفاهیم دریافتی از تحلیل نگاره‌های منتخب و متون روایی دوره صفوی، زنان در این دوران از جایگاه ویژه اجتماعی برخوردار بوده و از همین رو زن جایگاه ویژه‌ای برای نگارگر شاهنامه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰ م نیز داشته است چراکه در اکثر نگاره‌ها حضور پررنگ زنان دیده می‌شود. در کمتر نسخه‌ای از شاهنامه‌های دوره صفوی حضور زنان تا این حد پررنگ دیده شده است. در تمامی این صحنه‌ها فقط از زنان درباری و یا شاهزاده‌ها یاد شده است و از زنان کوچه و بازار خبری نیست. این زنان در مقام نازلی مثل کنیزک و همدم شاهزاده نمایش داده شده‌اند. بنابراین زن‌ها به واسطه خردمندی و سیاستمداری و تدبیر و نیکوکاری‌شان هم، در شاهنامه مطرح شده‌اند. در تاریخ دوره صفوی و همه زن‌ها به طبقه اجتماعی بالایی متعلق هستند. زن‌های درباری در نقش شاهدخت و یا معشوقه شاه، همسر، مادر، و یا همراه شاه در جنگ به تصویر کشیده شده‌اند. آن‌ها زنان معمولی نبودند و هرکدام دارای مقام و جایگاهی خاص در دربار بوده‌اند. همچنین، درون‌مایه‌های تصویری، در نگارگری شاهنامه ۹۴۸ ه.ق/۱۵۴۰ م به عوامل زیادی مانند تحولات جامعه صفوی، جایگاه زن در آن دوره، نگاه فردوسی به زن و سنت نگارگری ایرانی بستگی دارد که در پروسه معنا یابی این نگاره‌ها، باید به متون دیگری رجوع کرد و ارتباط آن‌ها را مشخص نمود.

منابع

- آزند، یعقوب. (۱۳۸۴). هنر ایلخانی و تیموری، تهران: دانشگاه تهران.
- اشرف‌السادات، موسوی لر؛ عصارکاشانی، الهام. (۱۳۹۲). «سبک‌شناسی نگاره‌های طوطی‌نامه با رویکرد نقد سنتی»، نشریه جلوه هنر، شماره ۱۰، ۷۰-۶۲.
- انوشه، حسن و همکاران. (۱۳۶۶). دائرة المعارف تشیع، جلد ۷، تهران: فرهنگ.
- باربارو و همکاران. (۱۳۹۴). سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: امیرکبیر.
- رازنهان، محمدحسن. (۱۳۸۰). «شاه سیونی جلالیان و حکومت صفویه»، نشریه رشد آموزش تاریخ، سال سوم، شماره ۸، ۴۱-۳.
- رضی زاده، رضیه. (۱۳۸۴). «در شیوه و مکتب نگاره‌های خاوران‌نامه»، گلستان هنر، شماره ۲، ۵۲-۶۳.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۸۴). سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: امیرکبیر.
- دادخواه، بهاره. (۱۳۹۶). «بررسی شمایل‌شناسی نگاره گلنار و اردشیر از شاهنامه بایسنقری و تطبیق آن با نگاره‌ها مشابه در مکتب هرات و تبریز دوم»، پایان‌نامه ارشد، رشته هنرهای تصویری، دانشگاه سپهر.
- ذبیحی، متین. (۱۳۹۷). «تاثیرات هنر نگارگری ایرانی بر هنر هند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تصویرسازی، دانشگاه غیر انتفاعی کمال‌الملک.
- سانسون، و. (۱۳۴۶). سفرنامه، ترجمه تقی تفضلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- صادقی عطار، سهیلا. (۱۳۹۶). «بررسی جایگاه زنان در شاهنامه فردوسی و تبیین دلالت‌های تربیتی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ادبیات، دانشگاه هنر تهران.
- عبدی، ناهید. (۱۳۹۱). درآمدی بر آیکونولوژی، تهران: سخن.
- فرتاش طلوع، غزاله. (۱۳۹۴). «بررسی بصری تصویر زن در شاهنامه طهماسبی و داوری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش هنر، دانشگاه هنر.
- فسائی، حسن. (۱۳۷۸). فارسنامه ناصری، ج اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فلسفی، نصرالله. (۱۳۴۲). چند مقاله، چاپ اول، تهران: انتشارات وحید.
- کوماراسوامی، آندانا. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر هنر هند، ترجمه امیر حسین ذکرگو، تهران: فرهنگستان هنر.
- کنبای، شیلا. (۱۳۹۱). نقاشی ایرانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گودرزی، مرتضی. (۱۳۸۴). تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، تهران: انتشارات سمت.

محبی، بهزاد و همکاران. (۱۳۹۶). «نقش زن در نگاره‌های دوره صفوی با تأکید بر آثار رضا عباسی»، پژوهشنامه زنان، سال ۸، شماره ۳۹، ۹۸-۱۲۱.

نصری، امیر. (۱۳۹۱). «خوانش تصویر از دیدگاه اورین پانفسکی»، نشریه کیمیای هنر، شماره ۶، ۷-۲۰.

نظری، رضا. (۱۳۹۷). «مقایسه‌ی تصویر زن در هنر دوره‌ی صفوی و قاجار»، نشریه باستان‌شناسی دوران اسلامی، شماره ۱، ۶۹-۸۶.

نوری، مهرداد. (۱۳۹۱). «جایگاه اجتماعی زنان در دوره صفوی»، نشریه گیلان ما، شماره ۴، ۱۰۶-۱۲۱.

Panofsky, Iconography, and Semiotics Source, The Journal of (۱۹۷۸). Hasenmueller, Christine
Aesthetics and Art Criticism, (۳۶)۳, ۲۸۹-۳۰۱.

Iconography as a Humanistic Discipline ("Iconography at the (۱۹۹۰). Lavin, Irving
Crossroads"), Princeton: Princeton University Press, New Jersey

Study in Iconology (Humanistic Themes in the Art of the (۱۹۷۲). Panofsky, Erwin
Renaissance), Westview Press, Colorado

Meaning in the Visual Arts, Double day Anchor Books, New York. (۱۹۵۵). Panofsky, Erwin